

ماجرای عشق و عاشقی میدون

یک مدل خارجی داخلی‌ها راشرمنده کرد

محدودیت ایرانی‌ها ومصونیت خارجی‌ها



✚ **یوریا عالمی**

● زمانه عجیب‌وغریبی شده است. برخی بازیگران و مجری‌های تلویزیونی ما می‌روند آن‌رو آّب که توی اینستاگرام با ضربه‌نگ خاص و با شعار اینکه آفتاب هرگز پشت ابر نمی‌ماند، طی مراسمی از خودشان رونمایی انجام دهند. بعد یک خانم مدل خارجی به نام کندی چارمز که عمری همه را بازی داده و تماشاچیان و مخاطبان‌ش را تا لب چشمه برده و تشنه برگردانده، با شده با پوشش کامل و عینک دودی جوشکاری (طوری که صورت را کامل بپوشاند) آمده ایران. ما جای شما باشیم با احتیاط کامل و دور از چشم خانواده وارد صفحه اینستاگرام‌ش می‌شویم یا نامش را در گوگل سرچ می‌کنیم. الان اینها که می‌گویند در ایران راحت نیستند دیدن دارند. چطوری شما راحت نیستید؟ ولی کندی چارمز راحت است؟ چطوری شما دیگر کجا را می‌شود عمل کرد که او می‌خواهد عمل کند؟ (به‌رحال ما از جراحان زیبایی ایرانی ممنونیم که حالا که برخی جراحان غیرزیبایی خراب کرده‌اند، اینها دارند آباد می‌کنند.

وصیت

سوفیا... من از وقتی اسم خانم کندی چارمز را در اینترنت سرچ کردم، نگاهم از اساس نسبت به زن ایده‌آل عوض شده و کلا حالت ازدواج با تو دارد از سرم می‌پرد. حالا وایسا یه‌دفعه... من برم به اینترنت پرسرعت توپ بگیرم و کمی سرچ کنم بعد به تو می‌گویم واقعا دوستت دارم یا فک‌هام رو کردم و نظرم عوض شد.

نکته

آیا به اندازه کافی بیان شده است و ردی را دوانمی‌کند؟

● **هما نصرتی:** مسائل فراوانی وجود دارند که واقعا تکرار آنها بی‌فایده است و بعد نیست هرکدام‌مان بیش از گفتن مکرر آنها، در دلمان گفته باشیم: «به اندازه کافی بیان شده است و ردی را دوا نمی‌کند». اما سؤال اینجاست چرا یک نهاد آماری که طبعاً وظیفه‌اش اعلام اعداد، فارغ از مسائل کیفی آن است، خودش را پشت چنین جمله مایوس‌کننده‌ای پنهان می‌کند؟ آیا مثلا هواشناسی حق دارد آمارهای روز دما در نقاط مختلف کشور را صرفا به دلیل آنکه ردی را دوا نمی‌کند، منتشر نکند؟ آیا پلیس می‌تواند آمار جرم و جنایت و کشته‌های جاده‌ار را نکود، صرفا به این دلیل که به اندازه کافی بیان شده است؟



به نظر می‌رسد پشت این اظهارنظر عجیب سازمان ثبت احوال، به‌نوعی خستگی مزمن نهادهای بوروکراتیک از انجام وظیفه ذاتی‌شان پنهان شده باشد. آنها خسته‌اند از اینکه هر بار، پای نرم‌افزارهای اکسل بنشینند و داده‌های آماری‌شان را سبک‌وسنگین کنند تا به مردم از میزان مشکلات جامعه خود بگویند و حتی شاهد اندکی تأثیرگذاری نباشند! خستگی کارمندان از نظام بوروکراتیک با انبوهی از پرونده‌ها، اعداد، داده‌های دسته‌بندی‌نشده و پوشه‌های خوانده‌نشده، موضوع تازه‌ای نیست و طبعاً حتی با نظام‌های یکپارچه آماری که مبتنی بر تکنولوژی جدید هست، نیز حل نمی‌شود اما اگر این خستگی را کناری بگذاریم، به نظر می‌رسد دسته دلسوزانی از همین کارمندا هستند که می‌خواهند به جای آمارها، برای مردم ابراز نگرانی کنند.

واقعیت این است که آمار در جامعه امروزی ما یک وظیفه مهم اما متناقض هم دارد؛ کار آمار و اعداد این است که واقعیت را از پیش چشم‌آسان‌خوان توده جامعه پنهان کند و حق اظهارنظر یا نگرانی آنها را درباره مسائل شخصی‌شان سلب کند. با این دید، فردی که گفته «به اندازه کافی بیان شده است و ردی را دوا نمی‌کند»، گویی می‌خواسته بگوید «مردم، چرا مراقب افزایش وحشتناک آمار طلاق نیستید!»

شتر

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۱۴ مرداد ۱۳۹۵ | ۱ ذی‌القعده ۱۴۳۷ | ۴ آگوست ۲۰۱۶ | سال سیزدهم • شماره ۲۶۴۷ | صفحه ۶۰۱۵ | اذان ظهر تهران ۱۳:۱۰ | اذان مغرب ۲۰:۲۵ | اذان صبح فردا ۴:۴۰ • طلوع آفتاب ۶:۱۵

روزنفر۱۶

کار تون خواب

✚ **محمدرضا ثقفی**

ممنوعیت شنا در دریاچه ارومیه برای مبتلایان به فشار خون بالا



بر فراز شهر

تلخی مرگ کیارستمی و تلخی توهین به پزشکان

جامعه‌ای که می‌خواهد به دنبال سازندگی باشد، سمی مهلک است. هر کشی که معنا یا پیامد جنگ و درگیری و افزایش تنش داشته باشد، بی‌تردید حداقل برای پزشکان مفید نیست؛ هرچند بازنده اصلی آن جامعه‌ای است که گروه‌های مرجع خود را دارد یک به‌یک از دست می‌دهد.

چند پیشنهاد به‌عنوان یک هم‌خانواده برای همکارانم دارم:

۱. جامعه باید حس کند که نظام‌های صنفی بهترین و مورداعتمادترین مکان‌ها برای طرح داوری است. به جای دفاع بی‌دلیل و کور از همکاران خود از حق همگان برای طرح دعای دفاع کنیم. تغییر محل دعوا از نظام پزشکی به اورژانس بیمارستان‌ها یا حتی محاکم، آثار خوشایندی نخواهد داشت. ۲. جامعه پزشکی بخشی مهم از جامعه مدنی بوده و باید پاسدار ارزش‌های مدنی باشد. جامعه پزشکی نباید نقش گروه فشار را بازی کند و از سانسور، هتک منتقدان حتی غیرمنصف و حاکمیت بروز تعارض‌های بیشتر را نفعتها کم نمی‌کند که می‌افزاید. نباید فراموش کنیم که جامعه دچار احساس عمیق قربانی تحقیر و تبعیض و نابرابری بودن است. در کشوری که حداقل حقوق کارگر کمتر یا برابر یک میلیون است، پذیرش تفاوت مثلا ۱۵۰برابری نمی‌تواند آسان باشد. از سویی جامعه دچار خشمی نهفته از این‌گونه نابرابری‌ها و نامساواتی‌ها است و چون نمی‌تواند خشم خود را به منابع اصلی ایجاد این‌گونه نابرابری‌ها نشان دهد، آن را به گروه‌های اجتماعی که احتمال خطر و تهدید کمتری در ابراز خشم به آنان وجود دارد، نشان می‌دهد. از سویی اتفاق‌هایی چون امتناع از درمان یا حتی تردید یا تهدید به امتناع از درمان هنرمندان بیمار یا گروهی از بیماران که کار برای آنان برخطر است در واکنش به رفتار تند یک هنرمند، نشانه‌هایی ناخرسندکننده و هشداردهنده است. رابطه بیمار و پزشک رابطه‌ای صرفا اجتماعی نیست و نمی‌توان و نباید بدون درنظرگرفتن سهم عوامل روان‌شناختی و پویایی‌های خاص رابطه یک دردمند و یک درمانگر قضاوت شود. نباید از بیمار، دردمند، یا خانواده رنج‌کشیده و مستأصلی که تحت‌تأثیر احساسات پیچیده‌ای چون حس ناکامی و گناه و تریس و اندوه است، انتظار داشت خیلی پخته، آرام و منطقی رفتار کند. بخشی از هنر درمانگری، درک این پویایی‌هاست. خیلی از تندی‌ها و تهدیدها گرچه خطاب به پزشک است، اما مخاطب آن پزشک نیست. جامعه پزشکی از تنش، از افزایش شکاف و از بی‌اعتمادی بیشتر سودی نخواهد برد. غوغا و جنگ اصولا برای

تغییر و تحولات تاریخی در ایران بسیار بوده است و دراین‌میان مشروطه، یکی از مقاطعی‌است که مؤلفه‌های متعددی در آن نقش بازی کرده‌اند. آنچه مشروطه را در خواش اقتصادی تاریخ، میز می‌کند حضور پررنگ نهاد بازار، تجار و ویژگی‌های اقتصادی جامعه در این تحول عمیق است. نقد به گمرک و عوارض گمرکی غریبان در کنار شکایت علیه موسیو نوز بلژیکی، به‌جوب‌بستن هاشم قندچی و مسائلی از این دست را شروع تحركات منجر به انقلاب مشروطه خوانده‌اند. در کنار این عوامل، حضور پررنگ تجار در بست‌نشینی‌ها و در مجلس اول مشروطه، موضوع اقتصاد را در صدر مسائل مشروطیت قرار داده است. در این برهه تأسیس بانک ملی، تدوین قوانین رشوه و نظارت بر گمرکات، تقلیل بودجه دربار و مستمری‌های تابعه و... جزء مهم‌ترین قوانین مجلس اول قرار می‌گیرند و به واقع جنبش مشروطه با اقتصاد پیوند می‌خورد.

از طرفی دیگر، با توجه به ویژگی‌های اقتصادی دوران

سلام به فردا

درباره انتشار مجدد یالثارات پس از لغومجوز

این دهن کجی‌ها به نفع هیچ‌کس نیست



✚ **عبدالله ناصری**

جنس قانون‌شکنی در انتشار مجدد نشریه یالثارات پس از لغو مجوز و توقیف از جنس همان قانون‌شکنی‌ای است که در حمله عده‌ای خودش به سفارت عربستان سعودی شاهدش بودیم. باین‌حال این اتفاق زوایای دیگری نیز دارد و پرده از واقعیتی برمی‌دارد که خیلی‌ها به‌دنبال انکار آن هستند. این اتفاق بار دیگر بر وجود برخورد دوگانه با مطبوعات صحه گذاشت، به این صورت که عالی‌ترین نهاد تصمیم‌گیر درباره مطبوعات کشور؛ یعنی هیات نظارت بر مطبوعات شامل نمایندگانی از تمامی قوا و نهادهای سطح‌بالای حاکمیتی است، تصمیمی درباره این نشریه گرفته است. این تصمیم بر اساس قانون رسمی حاکم بر تمامی مطبوعات کشور گرفته شده است؛ قانونی که باوجود تمام خلاهای آن، صراحت لازم را در زمینه توقیف یا لغو مجوز دارد و تعیین کرده چنانچه نشریه‌ای توقیف یا لغو مجوز شود و مجدداً به انتشار نشریه ادامه دهد، باید دست به اقداماتی نظیر پلمب و مهروموم چاپخانه، جمع‌آوری نشریه از دهک‌های روزنامه‌فروشی و در نهایت فراخواندن یا بازداشت مدیرمسئول زد. در طول سال‌های گذشته هرگز شاهد چنین اتفاقی نبوده‌ایم و قوانین درباره تمامی مطبوعات کشور اعم از چپ و راست صادق بوده است؛ از روزنامه‌های اصلاح طلب گرفته تا حتی هفته‌نامه «۹ دی»، متعلق به «حمید رسایی»، نماینده سابق مجلس شورای اسلامی و از اعضای جبهه پایداری که هنوز در توقیف است. باز درباره این نشریه می‌توان از اتفاقات خارق‌العاده دیگری سخن گفت؛ اتفاقی نظیر اینکه پس از انتشار مجدد این نشریه، آن‌هم تنها چند روز پس از آنکه اعلام شد این نشریه توقیف شده و گفته شده پیش از این هم لغو مجوز شده بوده است، خبر می‌آید که یالثارات حکم انتشار موقت گرفته است. به‌عنوان یک کارشناس کوچک رسانه‌های کشور لازم است یادآوری کنم تاکنون به‌هیچ‌وجه چنین واژه‌ای را حتی نشنیده بودم! تنها موقتی که در قانون وجود دارد، توقیف موقت است. غریب نیست که بگویم این اولین‌بار در طول تاریخ مطبوعات این کشور است که حکم انتشار موقت برای نشریه‌ای که لغو مجوز شده، صادر شده است. ازهمین‌روست که برخورد دوگانه بیش از پیش خودش را نمایان و این سؤال را در افکار عمومی ایجاد می‌کند که یالثارات با کدام پشتوانه می‌تواند رأی هیات نظارت بر مطبوعات را تغییر دهد؟

من ا‌ما معتقدم دولت باید شجاعانه و قاطعانه نسبت به این اتفاق واکنش نشان دهد. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و به‌ویژه معاونت مطبوعاتی آن اگر نتوانند عملکردی مشابه آنچه مطبوعاتی‌ها با لغوکنندگان کنسرت‌ها داشتند، با قانون‌شکنان مطبوعاتی داشته باشند، نمایشی از ضعف را برای افکار عمومی اجرا کرده‌اند که همه از آن متضرر خواهند شد. اولاً و بیش از همه افکار عمومی آسیب خواهد دید. چراکه این دوگانگی و رفتار فراقانونی را خواهد پذیرفت و از اجرای قانون ناامید خواهد شد. آسیب‌دین افکار عمومی مخصوصاً در دورانی که چیزی تا انتخابات آینده ریاست‌جمهوری باقی نمانده است، برای دولت نیز گران تمام خواهد شد و اتفاقاً من فکر می‌کنم یک از مقاصد یالثارات هم همین نشان‌دادن ضعف و ناکارآمدی دولت در برخورد با خود است. معتقدم این مسئله آن‌قدر مهم است که لازم است دولت و سخنگوی آن وقت بگذارند و با پیگیری این اتفاق، نتیجه آن را به افکار عمومی گزارش دهند.

یاد‌آر

مشروطه؛ پیامد دوره سختی منجر به رفاه

مشروطه می‌توان سال ۱۹۰۶ میلادی یا ۱۲۸۵ شمسی (صدور فرمان مشروطیت) را زمان گشایش اقتصادی به نسبت سال‌های نزدیک به آن دانست. از سال ۱۸۵۴ تا ۱۹۱۹، مردم تفاوت‌های فراوانی در وضع معیشت خود یافته‌اند. ۱۸۷۲ زمان قطعی بزرگ در دوره ناصری است. زمانه‌ای که بدترین وضعیت اقتصادی قرن را رقم زده است. دومین بیک اقتصادی که روی وضع معیشت تأثیرگذار بوده، در سال ۱۸۹۸ از سر گذرانده شده که درواقع دو سال بعد از روی‌کارآمدن مظفرالدین‌شاه بوده است. به دلیل نزول قیمت مسکوکات مسین، کشور با افت شدید ارزش پول ملی مواجه شد و تجار و مردم عادی با مشکلات معیشتی و گرانی روبه‌رو شدند. با توجه به همان دوره‌های فراز اقتصادی بعد از دوران قطعی ۱۸۷۲ یک دوره شیب نزولی تومری در ایران وجود داشته و دوره دوم آن، دوره منتهی به انقلاب مشروطه است. به واقع انقلاب مشروطه، نقطه فرود یک شیب تومری منفی در ایران است. زمانه‌ای که مردم به لحاظ اقتصادی آسایش بیشتری داشته‌اند و فرصت احیای عدالتخانه و ترمیم و اصلاح قوانین و قواعد اقتصادی به ایشان داده شده است.

مریم زندی: باصلح امید و آزادی می‌آید

✚ **چه عواملی چنین حسی را در شما به عنوان شهروند یک جامعه به وجود می‌آورند؟** طبعاً منظور فقط عوامل سیاسی نبود، عوامل و فاکتورهای اقتصادی و اجتماعی هم به همین اندازه در نداشتن حس ثبات فردی تأثیرگذارند. وقتی نگرانیم که آنچه امروز هست، ممکن است فردا دیگر نباشد، به‌نوعی در تلاطم نبود اطمینان و نبود امنیت قرار می‌گیریم.

✚ **صلح را بیشتر در کجا پیدا کردید؟** بیشتر از هرجای جهان، من صلح را در کشور خودم جست‌وجو می‌کنم و امیدوارم که همین‌جا پیدایش کنم؛ چراکه می‌دانم در کنار صلح است که می‌توانیم ایرانی آباد و آزاد داشته باشیم؛ ازسوی‌دیگر، شرایط امروز جامعه جهانی به شکلی است که نمی‌توان توقع داشت صلح کشور من، جدا از صلح دنیا به وجود بیاید. درهم‌تنیدگی مسائل روز دنیا، باعث شده دیگر صلح به شکل جزیره‌ای آن، امکان‌پذیر نباشد.

امروزه ما نه‌فقط با مردم خودمان بلکه با مردم همه دنیا در ارتباط هستیم و اگر طالب صلحیم باید آن را در ابعاد جهانی ببینیم.

✚ **برجام درمیان صلح تأثیرگذار بوده است؟** به‌هرحال جزئی از موضوع صلح، برجام یک قدم مثبت بوده و ویژگی‌های مثبت آن انکارناپذیر است. من امیدوارم بتوانیم روند برجام را به شکلی ادامه بدهیم که مردم شاهد آثار مثبت اجتماعی و اقتصادی آن باشند. قطعاً شرایط بعد از برجام را با شرایط پیش از آن نمی‌توان مقایسه کرد اما شاید زود بود که بخواهیم آن را یک قدم مهم در مسیر صلح جهانی بدانیم.

یادداشت

زنان دارکوب نیستند، انسانند

برای من؛ یکی ازمیلیاردها زن تشبیه‌شده به پرنده‌ای پسروروصدا. فکر کردم خوب است دختران نوجوان در روستاهای دورافتاده سیستان و بلوچستان و هرمزگان و دیگر مناطق دوست‌داشتنی، کنار سفره‌های کم‌بضاعت خانواده‌هایشان، سخنان امیدبخش دکتر روحانی را شنیده‌اند و لابد از آن موقع انگیزه بیشتری برای تحصیل و اشتغال دارند. فکر کردم چقدر خوب است من بدون شنیدن این سخنان در زمان تحصیل و اشتغال، به حقوق اجتماعی‌ام تا سرحد تشبیه به جانوران، الحاح می‌کنم و به یقین آنان با دنیا، حمایت رئیس‌جمهوری، قطعاً جسارت بیشتری برای پیگیری مطالبات‌شان در آینده خواهند داشت. با خود تخیل می‌کنم دخترکی نوجوان از همین روزها کتاپچه‌های درسی سال‌های آینده را از همسایه‌ها گرفته تا زودتر بخواند و برای دانشگاه آمادگی بیشتر داشته باشد. تخیل می‌کنم پسرهای نوجوان فارغ از فضای مطالبات تحصیل‌های مجازی برای راه‌اندازی کمیک‌استریپ‌های بر پایه توهین جنسیتی، می‌دانند رقابت ازین به بعد واقعی می‌شود و به بهانه نان‌آوری‌شان، از این به بعد سهم بیشتری از یک استخدام‌ها نخواهند داشت؛ چراکه در سال‌های اخیر نرست بسیاری از خانوارها به عطر دستان زنان سرپرست خانوار و خودسرپرست آمیخته بود.

دست‌آخر به این می‌انديشم اگر رئيس‌جمهوری با این اسلوب آشکاردن زنان به حقوق‌شان پیش برود، سال‌های خیلی آینده غریب نخواهد بود به جای جمله: «ان‌شاءالله یک کاکل زری بیاوری»، به مادران باردار بگویند: ان‌شاءالله یک بچه سالم بیاوری. شاهد مثال می‌آورم از زندگی بسیار مدرن خانواده‌ای ساکن خیابان دیاجی، شمالی پایتخت، که در ۴۰۰ متر آپارتمان مسکونی‌شان همچنان اندوه می‌خورند چرا پسرشان، سِر ندارد و فقط دو دختر دارد. بهیقین باید جسارت طرح قانون جدید را در جایی ستود که زنان حتی سهم مساوی از دعای اطرافیان ندارند.

● ● ●

چندی‌پیش به‌دلیل شرایط سخت کار، پیگیر ایفای حقوق غیرمالی‌ام بودم که با همه واژگانی یک مدیر ارشد مواجه شدم که پس از یک جمله آزاددهنده گفت: چرا این‌قدر تکرار می‌کنی؟ شفاهی می‌شود که نمی‌توانی به فکر صنایع ادبی باشی برای نوشتارت و می‌خواهی در تمامی خط‌ها اصرار کنی که زنان دارای حقوق برابر با مردان در همه عرصه‌ها هستند.